

افت جنبش سبز، عروج خیزش مستقل

خیزش اعتراضی در ایران، از همان روزهای نخست، دو جنبه متضاد را بنمایش گذاشت. در سویی اصلاح رژیم اسلامی از طریق اعمال فشار و چانه زنی و در سوی دیگر اقدام فهرآمیز برای بزیرکشیدن کلیت رژیم اسلامی. در سویی موسوی، کروی و احزاب راست و چپ دنباله‌رو آنان، و در سوی دیگر، توده‌های خشمگینی که هیچ سخنگویی نداشته و تصور میکردند تا اعتراضات خیابانی تحت رهبری جنبش سبز، مجرای خواهد گشت برای سرنگونی رژیم اسلامی. برغم تسلط کامل جناح اصلاح طلب و احزاب پیرو آن بر خیزش اعتراضی، شعارها و اشکال اعتراضات همواره این خصلت دوگانه خیزش اعتراضی را بنمایش گذاشته است. زمانی، خیابان‌های تهران صحنه نبرد توده‌های خشمگین با نیروهای سرکوبگر و حتی تهاجم آنان به مراکز دولتی و نظامی بوده و زمان دیگری، مراسم روز قدس و نماز جمعه ابزار وجود و تسلط جنبش سبز بر کل خیزش اعتراضی گشته است.

روشن است که قطب‌بندی و پولاریزاسیون خیزش اعتراضی، بناگزی باید از مجرای روندی از افت و خیز و در نتیجه انزوای تدریجی رهبری ضدانقلاب و سرانجام تجزیه نیروهای درگیر در این جنبش اعتراضی صورت گیرد. آنچه در بیست و دوم بهمن اتفاق افتاد، لحظه‌ای از این روند متضاد و مرحله‌ای از پولاریزاسیون خیزش اعتراضی است. بدون افت موقت موج اعتراضی و ناکامی‌های مکرر جنبش سبز در یک سو و عروج اعتراضات مستقل کارگری در سوی دیگر، قطب‌بندی و جابجایی تدریجی نیروها و میدان نبرد، ممکن نیست.

اعتراضات خیابانی در شکل کنونی آن، ابزار نمایش آراء توسط جناح مغلوب است. اعتراضاتی که حضور دایمی در نمایشات دولتی و تاکید بر حرکت مسالمت آمیز، مشخصه خصلت رهبری آن بوده است. بکارگیری عبارت تاکتیک اسب تروا بوسیله نظریه پردازان جناح اصلاح طلب، در آستانه بیست و دوم بهمن، چیزی جز یافتن نامی مناسب برای این شیوه از اعتراضات در مراسمها نبود. براه اندازی تظاهرات وسیع در روزهایی همانند روز قدس و عاشورا، معنایی جز تجهیز و تسخیز پایگاه توده‌ای نظام جمهوری اسلامی، بدون خامنه‌ای، نداشته است. در این معنا، تاکتیک اسب تروا، تنها بیان و واژه مناسبی در توضیح سیاست و مشی اصلاح طلبان بود. به همین سیاق، تسخیر خیابانها، توسط جناح حاکم در بیست و دوم بهمن و گرفتن ابتکار عمل از مخالفان، تایید مجدد صحت نتایج انتخابات برای از میدان بدر کردن اصلاح طلبان است.

عدم تحقق انتظارات و توقعات نیروهای راست و چپ طیف جنبش سبز بعد از دورانی طولانی، به تجزیه و تشتت تدریجی نیروهای این طیف خواهد انجامید. به موازات آن، جدال جناح‌های ضدانقلاب بر متن افت و خیز بحران سیاسی جاری تداوم خواهد یافت. به عبارت دیگر، خیزش اعتراضی همچنان با دو وجه متضاد تاکنونی خود در اشکال مختلف تداوم خواهد یافت. وظیفه کمونیست‌ها نه ایستادن در میدان داور و سوت زدن برای شکست و پیروزی جناح‌های ضدانقلاب، بلکه ایستادگی بر سیاست و مواضع کمونیستی، برای شکل دادن به یک جنبش مستقل طبقاتی است. از همین رو نیز پافشاری بر چشم انداز روشن کمونیستی در قبال خیزش اعتراضی، افشای ماهیت جنبش سبز و نیروهای آن و مبارزه برای شکل‌گیری یک جنبش مستقل طبقاتی، بنیاد سیاست و شیوه کمونیستی در مواجهه با وقایع آتی خیزش اعتراضی است.